

معرفی و نقد کتاب

چالش‌های جهانی آمریکا در دوران اوباما^۱



BRIGADIER MOHAMMED M. ZAKI

علیرضای ضائی^۲

۱. Brigadier Mohammed M. Zaki, American Global Challenges The Obama Era, Palgrave Macmillan, ۲۰۱۱، ۱۹۸.

۲. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان (IR.Alirezarezaei@gmail.com)

محتوای کتاب

کتاب حاضر با نگاهی انتقادی به سیاست خارجی آمریکا به خصوص در برخورد و مدیریت مسائل و مشکلات جهانی نوشته شده است. نویسنده که خود تجربه فراوانی در امور نظامی، به ویژه در زمینه مبارزه با تروریسم دارد، ضمن انتقادات گسترده از سیاست بوش، دوران اوباما را موقعیت مناسبی برای حل و فصل مشکلات جهانی ارزیابی می‌کند.

وی با بررسی شخصیت و نوع نگاه اوباما و تیم سیاست خارجی وی، پیشنهادهای به دولت آمریکا در مدیریت بحران‌ها و مشکلات جهانی داده است. در این راستا، وی در فصل اول اشاره می‌کند که آمریکا در حال حاضر با چندین مشکل اساسی مواجه می‌باشد که می‌بایست برای هر کدام از آنها سیاست و اقدامات خاصی اتخاذ نماید. این مشکلات شامل مبارزه با تروریسم، رابطه با جهان اسلام، جنگ افغانستان، مشکلات عراق پس از خروج آمریکا، اختلاف بین رژیم صهیونیستی و فلسطینی‌ها، مسئله منع گسترش هسته‌ای، روابط با روسیه، مشکلات زیست محیطی و ضعف سازمان ملل متحد هستند. نویسنده هر کدام از این چالش‌ها را طی یک فصل مورد بررسی قرار می‌دهد.

نویسنده در فصل دوم به مسئله تروریسم می‌پردازد و سیاست بوش در این زمینه را مورد سرزنش قرار می‌دهد. به باور وی سیاست بوش کمکی به جامعه جهانی برای حل مشکل تروریسم نکرد، حتی این سیاست خود عاملی برای بازتولید تروریسم شد. در مقابل وی معتقد است که دولت اوباما درک بهتری از تروریست و ریشه‌های شکل‌گیری این پدیده دارد؛ چرا که به زمینه‌ها و ریشه‌های تروریسم توجه بیشتری می‌کند. روابط با جهان اسلام موضوع فصل بعدی است. روابط با جهان اسلام از این حیث برای آمریکا و به شکل کلی مجموعه غرب دارای اهمیت است که مبارزه با تروریسم در گرو چنین روابطی است. به باور نویسنده مبارزه با تروریسم زمانی می‌تواند موفق باشد که روابط غرب و به خصوص آمریکا با کشورهای اسلامی بهبود یابد. در فصل بعدی که در مورد چالش

افغانستان می‌باشد، نویسنده روی کارآمدن اوپاما را نقطه عطفی در تحولات افغانستان ارزیابی می‌کند. علت این امر در آنست که اوپاما پس از به قدرت رسیدن با انتقاد از سیاست بوش خواهان تغییر در رویکرد و سیاست آمریکا نسبت به افغانستان شد. تلاش برای تغییر رویکرد نظامی و درک بیشتر روندها و متغیرهای داخلی افغانستان از جمله اقدامات اوپاما برای ایجاد تغییر در این کشور بوده است. به باور اوپاما در ساخت یک رژیم باثبات می‌بایست متغیرهای داخلی افغانستان از جمله تفاوت‌های فرهنگی و ارزشی مردم افغان، تفاوت‌ها و شکاف‌های قومی، قبیله‌ای و مذهبی مورد توجه باشند.

فصل بعدی در مورد حمله آمریکا به عراق به عنوان یکی از مهم‌ترین اشتباهات راهبردی دولت بوش است. از دیدگاه نویسنده حمله به عراق نه تنها مشکلی را حل نکرد، بلکه اساساً مشکلات گسترده‌تری برای آمریکا در سطح منطقه خاورمیانه ایجاد نمود. این جنگ به هیچ عنوان مشروعیت جنگ افغانستان را نداشت. در مقابل دولت اوپاما از همان روزهای اول اعلان نمود که به دنبال خروج منطقی و برنامه‌ریزی شده از عراق است. به باور نویسنده خروج از عراق به شکل مرحله‌ای و با تثبیت موفقیت‌ها به خصوص با تقویت دولت و ارتش عراق، می‌تواند زمینه‌ای برای موفقیت در سایر عرصه‌ها باشد.

فصل بعدی در ارتباط با مسئله اختلافات موجود بین فلسطینی‌ها و به طور کلی جهان اسلام با رژیم صهیونیستی است که به نظر نویسنده یکی از مهم‌ترین چالش‌ها دولت اوپاما می‌باشد که هنوز وی به دلیل ماهیت درگیری هیچ‌گونه موفقیتی در آن نداشته است. نویسنده طی فصل بعد به برنامه هسته‌ای ایران اشاره می‌کند. برنامه هسته‌ای ایران از این حیث به عنوان یکی از چالش‌های اصلی سیاست خارجی اوپاما در نظر گرفته شده است که نظم کنونی و آینده خاورمیانه به آن بستگی دارد. به باور نویسنده هسته‌ای شدن ایران نه تنها می‌تواند زمینه‌ساز اقدامات احتمالی رژیم صهیونیستی گردد، بلکه می‌تواند باعث ایجاد

رقابت برای ساخت تسلیحات اتمی در منطقه خاورمیانه شود. بنابراین تنها گزینه مطلوب برای حل آن روی آوردن به «دیپلماسی بدون پیش شرط» است.

فصل بعدی در مورد روابط با روسیه است. در این زمینه نویسنده با انتقاد از سیاست خارجی بوش، سیاست بی‌توجهی غرب و به خصوص آمریکا به روسیه را سیاستی پرهزینه ارزیابی نموده است. نویسنده اشاره می‌کند که به دنبال فروپاشی شوروی، مقامات آمریکایی احترام لازم را برای روسیه قائل نشدند که همین مسئله دولت روسیه را واردار به اتخاذ اقداماتی علیه منافع غرب نمود. همین موضوع باعث شد که مقامات روسیه تصمیمات جدی برای برخورد با غرب در مواردی همچون بحث سپر دفاع موشکی بگیرند. این در شرایطی بود که آمریکا برای حل مشکلات جهانی به شدت به حضور و حمایت روسیه نیاز دارد.

موضوع فصل بعدی گرم شدن دمای کره زمین به عنوان چالش زیست محیطی در سیاست خارجی آمریکا است. نویسنده در این زمینه به تمجید از دولت اوپاما می‌پردازد. وی در این فصل به سیاست‌ها و اقدامات اوپاما در زمینه محیط زیست پرداخته و دولت وی را یکی از موفق‌ترین دولت‌های آمریکا در این زمینه معرفی نموده است. در نهایت در فصل آخر نویسنده تقویت جایگاه سازمان ملل را یکی دیگر از ضروریات سیاست خارجی اوپاما ارزیابی می‌کند. نویسنده مشکلات جهان کنونی را به شکلی می‌داند که تنها با هماهنگی در چارچوب سازمان ملل می‌توان با آنها مقابله کرد. به عنوان نمونه مبارزه با گسترش بیماری‌های واگیردار، حل و فصل اختلافات و پایان درگیری‌های محدود داخلی و بین‌المللی با توسل به نیروهای حفظ صلح و هماهنگی برای حل بحران‌های زیست محیطی بدون سازمان ملل ممکن نیست.

نقد محتوایی

کتاب حاضر با نگاهی انتقادی به سیاست خارجی آمریکا در دوران بوش نوشته شده است. نویسنده سیاست خارجی بوش را مهم‌ترین علت ناکامی آمریکا در مقابله با تهدیدات ارزیابی نموده است. وی سیاست بوش در مبارزه با تروریسم و منع گسترش تسلیحات کشتار جمعی را ناکارآمد ارزیابی نموده و به شدت از نوع برخورد آمریکا با روسیه و سازمان ملل متحد انتقاد می‌کند. در مقابل وی سیاست اوباما را که مبتنی بر چندجانبه‌گرایی، احترام به سازمان ملل متحد و رژیم‌های بین‌المللی و همکاری با روسیه و سایر قدرت‌های بزرگ می‌باشد را زمینه‌ساز موفقیت آمریکا در مقابله با تروریسم، مسئله گسترش تسلیحات کشتار جمعی و سایر تهدیدات و مشکلات ارزیابی نموده است. با توجه به این شرایط، از منظر محتوایی مطالعه کتاب حاضر کم‌ویش خواننده را با تحولات سیاست خارجی آمریکا طی یکی دهه گذشته آگاه می‌سازد. ضمن اینکه چون نویسنده در سرتاسر کتاب، سیاست خارجی بوش و اوباما در ارتباط با موضوعات مختلف را مورد مقایسه قرار داده است، عملاً درک عمیق‌تری برای خواننده در زمینه سیاست خارجی آمریکا و تفاوت در رویکرد و سیاست خارجی احزاب جمهوری خواه و دموکرات ایجاد می‌کند.

بنابراین مطالعه کتاب می‌تواند در زمینه آشنایی با اصول سیاست خارجی آمریکا، تفاوت‌های بین احزاب جمهوری خواه و دموکرات، نوع نگاه آمریکایی‌ها نسبت به جهان، سایر کشورها و تهدیدات و همچنین برآورد آینده سیاست خارجی آمریکا بسیار راه‌گشا باشد.

با این وجود نکاتی در کتاب وجود دارد که شایسته دقت نظری بیشتری بوده‌اند. از جمله اینکه به نظر می‌رسد نویسنده در برآورد تهدیدات تا اندازه زیادی تحت تاثیر نگرش غربی به جهان قرار گرفته است. تحت تاثیر این نگرش، جهان از زاویه دید کشورهای غربی دیده می‌شود و فرصت‌ها و تهدیدات با توجه به منافع آنها مورد ارزیابی قرار

می‌گیرد. همین موضوع باعث می‌شود که بخشی مهمی از تهدیدات دیده نشوند و یا اینکه صرفاً آن بخشی مدنظر قرار گیرد که غرب و آمریکا را هدف قرار داده است. به عنوان نمونه، وی به درستی تروریسم را یکی از مهم‌ترین تهدیدات جهانی ارزیابی نموده است که می‌بایست در صدر سیاست خارجی آمریکا قرار گیرد. با این وجود زمانی که نویسنده وارد مصادیق شده، عملاً تنها به القاعده و سایر گروه‌های تروریستی اشاره می‌شود که غرب را هدف قرار داده‌اند. این در شرایطی است امروزه بسیاری از کشورها با مشکل تروریسم مواجه هستند و تنها راه حل آن پاسخی جهانی و ریشه‌ای با مشارکت همه کشورها است. به عنوان نمونه کشورهای خاورمیانه که نویسنده از آنها به عنوان منشاء تروریسم یاد کرده است، عمدتاً خود بیشترین آسیب‌ها را از تروریسم دیده‌اند. ضمن اینکه نویسنده کمتر به نقش مستقیم و غیرمستقیم کشورهای غربی در ایجاد و گسترش تروریسم و افراطی‌گری در خاورمیانه اشاره نموده‌اند. این در شرایطی است که سیاست‌های آمریکا در عراق، افغانستان و به خصوص حمایت غرب از رژیم صهیونیستی، خود یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز اقدامات افراطی است.

البته داشتن چنین نگاهی تا حد زیادی طبیعی و واقع‌گرایانه است. بسیار طبیعی است که کشورها تنها با تهدیداتی مقابله کنند که امنیت آنها را نشانه رفته است. با این وجود در عرصه جهان کنونی که زمان و مکان هر روز به هم نزدیکتر می‌شود، نمی‌توان امنیت را صرفاً از زاویه ملی نگریست. در واقع این انتظار از کشورهای غربی و به خصوص آمریکا می‌رود که نگاه تنگ‌نظرانه به امنیت را با نگاهی گسترده‌تر به امنیت همراه‌تر سازد. ضمن اینکه تحولات یک دهه گذشته نشان داده است که امروزه تهدیدات بیشتر ماهیتی جهانی و در عین حال فراملی یافته‌اند که این امر ضرورت بیشتری برای اصلاحات در تفکرات و سیاست‌های امنیتی ایجاد نموده است.

ضمن اینکه در حالی روابط با روسیه به عنوان یکی از چالش‌های اصلی سیاست خارجی اوپاما معرفی شده است، که به باور بسیاری مشکل روابط با چین کمتر از روسیه نیست. به هر حال هرچند روسیه کشوری بزرگ و کم‌وبیش تاثیرگذار در عرصه بین‌المللی است، اما روندهای موجود نشانگر تاثیرگذاری بیشتر چین در سال‌های آینده است. این روندیست که مورد تأیید بسیاری از کارشناسان و حتی دولت آمریکا است. به عنوان مثال در راهبرد نظامی جدیدی که اخیراً از سوی وزارت دفاع آمریکا منتشر شد، قرار است تا سال ۲۰۲۰ بخش مهمی از ناوگان دریایی آمریکا از مناطق غربی به سوی محیط پیرامونی چین حرکت کنند. این موضوع به شکل کامل نشان می‌دهد که دولت آمریکا کاملاً نسبت به قدرت چین آگاهی دارد و از هم اکنون خود را برای روابط پیچیده و احتمالاً رقابت‌آمیز و پرتنش با چین آماده می‌کند. با این وجود نویسنده روابط با چین را مد نظر قرار نداده است.

نقد روشی

از منظر روشی مهم‌ترین نکته پیوستگی بین مطالب و فصول کتاب است. ساختار و سازمان‌دهی کتاب حاضر به شکلیست که خواننده درک بسیار کاملی از مطالب و مباحث پیدا می‌کند. نویسنده در ابتدای کتاب و در مقدمه مشکلات اساسی سیاست خارجی آمریکا را بیان نموده است؛ سپس به شکل کاملاً منظم و دقیق هر کدام از آنها را طی یک فصل مورد بحث قرار می‌دهد. ضمن اینکه در هر فصل ابتدا سیاست دولت بوش و سپس سیاست دولت اوپاما در ارتباط با یکی از مشکلات سیاست خارجی آمریکا را مورد بحث قرار داده است. این موضوع، یعنی پیوستگی و نظم بالا باعث شده است تا هم نویسنده از خواندن کتاب خسته نشود و هم اینکه قدرت مقایسه و تطبیق دولت بوش و اوپاما و در نتیجه کلیت سیاست خارجی آمریکا را پیدا کند.

موضوع دوم در این زمینه فقدان چارچوب نظری می‌باشد. از منظر روشی یکی از مهم‌ترین نقاط قوت یک کتاب، ارائه چارچوب نظری مرتبط با بحث و تلاش برای توضیح و تبیین واقعیات مطابق آن است. در واقع تلاش علمی تلاشی با هدف درک واقعیات مطابق با نظریات و در نتیجه کمک به توسعه نظری و درک واقعیات عینی است. با این وجود در این کتاب به شکل واضح از هیچ‌گونه نظریه یا چارچوب نظری استفاده نشده است؛ هر چند کاملاً مشخص می‌باشد که نویسنده نزدیکی و قرابت خاصی به دیدگاه‌های منشعب از لیبرالیسم از جمله نهادگرایی دارد.

پیشنهاد

با عنایت به تمامی از نکات، کتاب حاضر اثری نو و بدیع در زمینه آخرین تحولات سیاست خارجی آمریکا می‌باشد که مطالعه آن را به کارشناسان و اساتید حوزه آمریکا توصیه می‌گردد. ضمن اینکه مطالعه این کتاب برای دست‌اندرکاران سیاست خارجی کشور می‌تواند راه‌گشا باشد. به هر حال نویسنده در فصول مختلف کتاب اشارات گسترده‌ای به ایران به عنوان یکی از مشکلات مهم آمریکا داشته است. ضمن اینکه اصولاً یکی از فصول کتاب اختصاص به برنامه هسته‌ای ایران دارد. در نتیجه مطالعه این کتاب برای دست‌اندرکاران سیاست خارجی کاملاً مفید خواهد بود.

فرم اشتراک فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی

برای اشتراک فصلنامه خواهشمند است حق اشتراک خود را به حساب جاری ۰۱۰۹۵۰۳۳۲۰۰۰۲ بانک ملی ایران شعبه دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا کد ۳۲۵۹ (قابل پرداخت در تمامی شعب بانک ملی سراسر کشور) واریز و اصل رسید آنرا به همراه فرم اشتراک تکمیل شده به نشانی دفتر فصلنامه ارسال فرمایید.

نام و نام خانوادگی / مؤسسه:	
<input type="checkbox"/> مشترک حقیقی	<input type="checkbox"/> مشترک حقوقی
این قسمت توسط افراد حقیقی تکمیل شود.	
شغل:	محل کار:
سمت:	میزان تحصیلات:
نشانی:	
تلفن:	نمابر:
شروع اشتراک از شماره:	تعداد نسخه مورد نیاز از هر شماره:
شماره فیش / حواله بانکی:	تاریخ:
شعبه:	
هزینه اشتراک سالانه برای داخل کشور:	
برای دانشجویان و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها: ۱۴۲۰۰۰ ریال (با احتساب هزینه پستی)	
سایر مشترکان: ۱۶۰۰۰۰ ریال (با احتساب هزینه پستی)	
هزینه اشتراک سالانه برای خارج از کشور:	
۲۵ دلار + هزینه پستی برای کشور مربوط	

نشانی: شهرضا - انتهای بلوار پاسداران، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده علوم انسانی
دفتر فصلنامه‌ی تحقیقات سیاسی بین‌المللی تلفکس: ۳۲۱۳۱۰۲ - ۰۳۲۱ - ۰۹۱۷۱۲۵۸۹۴۷